

Criminal Responsibility for Harm to a Child's Potential Benefits Due to Refusal of Breastfeeding and Alimony¹

Javad Habibitabar², Seyed Fazel Noori³

(Received on: 2022-01-03; Accepted on: 2022-03-15)

Abstract

If a mother or another designated woman refuses to breastfeed a baby, this can negatively impact the child's potential benefits that may manifest later in life. Similarly, if a father or another responsible individual fails to provide necessary alimony, it can harm the child's future well-being. This research employs a descriptive-analytic method to explore how the refusal of breastfeeding and alimony provision can affect children's potential benefits, including intelligence, cognitive development, mental health, and character. The study also examines specific types of alimony, such as clothing, food, health, and medical care. The main contribution of the article is the establishment of criminal responsibility in both cases: while a mother or designated woman who refuses to breastfeed has a legal and religious obligation, she may seek compensation, and the father or responsible individual who neglects their duty to provide alimony bears criminal responsibility.

Keywords: benefits of members, potential benefits, breastfeeding, alimony, instances of alimony.

-
1. This article is derived from Seyed Fazel Noori, "Criminal responsibility regarding minors' potential benefits from the perspective of Ahl al-Bayt's jurisprudence and Iranian law," PhD diss., al-Mustafa International University, 2021.
 2. Associate Professor, Department of Judicial Law and Jurisprudence, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (corresponding author). Email: prof.javadhabibitabar@yahoo.com
 3. PhD student, Criminal Law and Criminology, al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: 210noori@gmail.com

مسئولیت کیفری آسیب به منافع بالقوه کودکان ناشی از امتناع در ارضاع و انفاق^۱

^۲ جواد حبیبی تبار، ^۳ سیدفاضل نوری

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴]

چکیده

خودداری مادر یا زن دیگر منحصر به فرد برای شیردادن نوزاد، ممکن است به برخی منافع بالقوه بدن نوزاد که در سال‌های بعدی به فعلیت می‌رسد، آسیب برساند. همچنین خودداری پدر کودک یا کسی که تأمین نفقه بر عهده‌اش است، از انجام دادن این وظیفه می‌تواند موجب آسیب‌هایی در آینده کودک شود. در این پژوهش با روش توصیف و تحلیل، کوشیده‌ایم نقش امتناع از ارضاع و خودداری از انفاق در ورود آسیب به برخی منافع بالقوه کودکان مثل هوش، تعقل، تفکر، سلامت روانی و سلامت خلقی را تبیین کنیم و برخی مصادیق انفاق مثل کسوت، خوراک، بهداشت و معالجه را بیان نماییم. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، اثبات وجود مسئولیت کیفری برای هر دو نفر است: مادر یا زن منحصر به فرد ممتنع از ارضاع، هرچند با وجود داشتن تکلیف قانونی و شرعی، حق مطالبه اجرت دارند. پدر یا شخص دیگری که انفاق به کودک را به لحاظ شرعی و قانونی بر عهده دارد؛ همچنین شخص حقوقی هم در این باره مسئولیت کیفری دارد.

کلیدواژه‌ها: منافع اعضا، منافع بالقوه، ارضاع، انفاق، مصادیق نفقه.

-
۱. این مقاله برگرفته از: سیدفاضل نوری، «مسئولیت کیفری جانی نسبت به منافع بالقوه صغار از منظر فقه اهل بیت (ع) و حقوق ایران»، رساله دکتری، استاد راهنما: جواد حبیبی تبار، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران، ۱۴۰۰، است.
 ۲. دانشیار گروه فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) Prof.javadhabibitabar@yahoo.com
 ۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران 210noori@gmail.com

مقدمه

منافع در بدن انسان اعم از منافع قائم به اعضا و منافع غیرقائم در فقه، دکترین حقوق و تقنین، به صورت شمارش شده با تعداد مشخص و به صورت حصری شناسایی نشده است؛ به عبارتی تعداد منفعت در بدن انسان، به طور انحصاری احصاء نشده است، بلکه تعدادش در فقه به صورت‌های مختلف آمده است. البته بیشتر فقیهان به تعداد منافع در انسان تصریح نکرده‌اند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هفت منفعت تحت عنوان «دیه مقرر منافع» در فصل پنجم از بخش دوم کتاب دیات، شمارش شده و پانزده منفعت نیز تحت عنوان «دیه سایر منافع» در همان فصل به صورت غیراحصائی و تمثیل ذکر شده است؛ از این رو در حقوق موضوعه نیز منافعی که در انسان وجود دارد، به صورت عدد مشخص و ثابتی تقنین نشده است. این دلیل بر کشف نشدن و شناسایی نشدن جمیع منافع بدن انسان است. ناشناخته ماندن برخی منافع، دربارهٔ کودکان نیز صادق است.

در ادامه برای وضوح بیشتر، مفهوم «کودک» و «منفعت» به اختصار توضیح داده می‌شود. هرچند برخی دربارهٔ کودک معتقدند «قوانین ایران تعریف جامع و مانع از کودک به دست نمی‌دهد» (کار، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۱۰۳)، حقوقدانان کلمه «صغیر»، «کودک» و «طفل» را در معنای واحد به کار می‌برند و منظورشان از این کلمات، انسانی است که متولد شده، اما به سن بلوغ نرسیده باشد. سن بلوغ را هم قانون‌گذار در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۴۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ تعیین کرده است. درباره معنای منفعت نوشته‌اند: «نفع ضد زیان است. گفته می‌شود فلان سود را به او رساندم، پس او از آن سود برد و منفعت اسم است»^۱ (جوهری، ۱۴۱۰ ه.ش، ص ۳). بیشترین کاربرد کلمه «منفعت»، در آثار فقهی و حقوقی مربوط به منافع اموال است نه منافع اعضای بدن انسان. بنابراین حوزه اصلی استفاده از واژه‌های «منفعت» و «منافع»، فقه مدنی و حقوق مدنی است نه فقه الجزاء و حقوق جزایی؛ اما

ویژه این حوزه نیست. فقیهان در فقه الجزاء برای کلمه «منفعت»، اصطلاح متمایزی از اصطلاح حقوق دانان ندارند؛ از این رو می‌توان «منافع» را این‌گونه تعریف کرد: منافع بدن همان بهره‌ها و فوایدی است که هر یک از اعضای بدن می‌تواند داشته باشد.

منافعی را که تاکنون شناسایی شده و آنچه در آینده ممکن است شناسایی شود، می‌توان به دو دسته منافع بالقوه و منافع بالفعل تقسیم کرد. وقتی کودک را در سال‌های آغازین کودکی محل توجه قرار دهیم، این تقسیم‌بندی عینیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا بسیاری از منافع چنین کودکانی به فعلیت نرسیده و به صورت بالقوه در آنها وجود دارد. برخی از منافعی که در کودک در سال‌های اولیه به صورت بالقوه وجود دارد و در سنین بعد به فعلیت می‌رسد، منافعی است که با حق ارتضاع وی و نیز حق نفقه‌اش در ارتباط است. در صورتی که کودک از این حقوقش محروم نگه داشته شود، به برخی منافع بالقوه‌اش آسیب می‌رسد و در زمانی که انتظار آن هست به فعلیت نمی‌رسد یا به صورت ناقص فعلیت می‌یابد. در این حالت مسئولیت‌هایی برای ممتنعان از ارتضاع و انفاق کودک وجود خواهد داشت که به دو دسته مدنی و کیفری تقسیم می‌شود. در این نوشتار درصددیم بر مبنای مطالعات فقهی و حقوقی و به روش توصیفی - تحلیلی، منافع بالقوه کودک را که با حق ارتضاع و نفقه وی مرتبط است، شناسایی و بازتعریف کنیم، به مسئولیت کیفری ناشی از امتناع از ارتضاع و امتناع از انفاق اشاره نماییم. گفتنی است این پژوهش فاقد پیشینه است.

۱. منافع مرتبط با ارتضاع از شیر مادر و مسئولیت کیفری مربوط

ابتدا مهم‌ترین منافع شناخته شده مرتبط با ارتضاع (تغذیه) نوزاد با شیر مادر را بیان می‌کنیم و آسیب به آنها را که از ناحیه تغذیه نشدن با شیر مادر ممکن است برای صغیر عارض شود، ذکر می‌کنیم تا در پی آن بتوان به مسئولیت کیفری آسیب‌رسان به آن دست یافت.

۱-۱. منافع مرتبط با ارضاع از شیر مادر

در این قسمت، منفعت مربوط به وصف مبنایی و منافع مربوط به وصف بنایی ارضاع نوزاد با شیر مادر بیان می‌شود.

۱-۱-۱. منفعت حیات: وصف مبنایی

حیات به عنوان منفعتی بالقوه برای کودک، محل ادعا نیست تا مستقیم مشمول موضوع این مقاله باشد؛ اما وصفی است که در صورت وجود آن، وجود منافع برای اعضای بدن انسان معنا پیدا می‌کند. بنابراین در اینجا درباره‌ی امری که وجود این وصف (استمرار حیات نوزاد تازه متولد شده) به آن وابسته باشد، یعنی تغذیه با شیر مادر بحث می‌کنیم. بدیهی است که بستر این بحث فرضی است که چنین حالت و وابستگی حیات کودک به شیر مادر وجود داشته باشد.

با توجه به مقدمه پیش گفته می‌گوییم یکی از حقوق اولیه کودک تازه متولد شده، تغذیه از شیر مادر است. هرچند ارضاع و شیردادن کودک شیرخوار بنا بر فتوای برخی فقیهان در روزهای اولیه یا در دقایق اولیه ولادت، بر مادر واجب است^۲ (عاملی، ۱۴۱۰هـ، ص ۱۸۹)، پس از آن به مدت دو سال مستحب است^۳ (عاملی، ۱۴۱۰هـ، ص ۱۸۹)؛ ولی کودکی که از شیر مادر که روزی اوست و دارای مواد آلی و مغذی است که خالق علیم ترکیبش را تعیین کرده است،^۴ محروم نگه داشته شود، چه بسا دچار آسیب‌هایی شود که در صورت وجود عناصر تحقق بخش بزه و شناسایی عامل آن، این کار جنایت بر او محسوب شود و مسئولیت کیفری هم در پی خواهد داشت. برای تصور بهتر این مطلب، باید به فرد اتم آن اشاره‌ای داشته باشیم و آن فرضی است که مادر یا زن شیرده دیگر، شخص منحصر به فردی باشد که بتواند با شیر خود کودک را تغذیه کند و از این کار سر باز زند؛

در نتیجه آن طفل دچار سوء تغذیه و آثار ناشی از آن یا حتی دچار مرگ شود. توضیح بیشتر اینکه عدم ارضاع و شیردهی به طفل شیرخوار احتمال این آسیب ها را در پی خواهد داشت: ۱. ضعف سیستم ایمنی؛ زیرا شیر مادر حاوی آنتی بادی ها و عوامل ایمنی است. این مواد نوزاد را در برابر عفونت ها و بیماری ها مقاوم می کند. نوزادانی که از شیر مادر محروم اند، بیشتر در معرض عفونت ها قرار دارند. ۲. اختلال رشد؛ زیرا شیر مادر حاوی مواد مغذی ضروری از جمله ویتامین ها و مواد معدنی است. بر اثر محرومیت نوزاد از شیر مادر، رشد جسمی و ذهنی دچار طفل با اختلال مواجه می شود. این موضوع می تواند تأثیرات بلندمدت بر روی توانایی های شناختی و یادگیری داشته باشد. ۳. افزایش خطر چاقی و بیماری های مزمن مانند دیابت و بیماری های قلبی در آینده. ۴. مشکلات گوارشی مانند یبوست؛ زیرا شیر مادر با دستگاه هاضمه طفل سازگاری بهتری دارد. ۵. ضعف عواطف؛ زیرا شیردهی به نوزاد تنها برای برآورد نیازهای جسمی طفل نیست، بلکه بین مادر و نوزاد پیوند عاطفی ایجاد می کند.

در مجموع شیر مادر منبعی حیاتی برای سلامت جسم و روان طفل و رشد آنهاست و عدم ارضاع می تواند آسیب هایی به منافع یادشده وارد آورد.

اهمیت ارتضاع از شیر مادر در این است که شیر مادر اولین و بهترین غذایی است که مناسب کودک در ماه های اولیه تولد است. شیر مادر در ابتدای شیردهی در بردارنده کلستروم است. در کتاب کافی که از منابع اصلی روایی فقه اهل بیت (ع) است، بابی با عنوان «باب الرضاع» (شیردهی) وجود دارد. باب الرضا (ع) در برگزیده هشت روایت است. در اولین روایت این باب از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمود: «هیچ شیرری برای شیرخوار، پربرکت تر از شیر مادرش نیست» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۴۰).^۵ توصیه قرآن کریم به اینکه مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر بدهند، در اینجا سزاوار توجه است: «مادران، فرزندان خویش را دو سال تمام شیر دهند» (بقره ۲: ۲۳۳). یکی از مفسران در

تفسیر این آیه، شیردادن مادران به فرزندانشان را وظیفه می‌داند و علت آن را مصلحت‌های متعدد بیان کرده است: «خبردادن از وظیفه‌ای است که در شرع وجود دارد و علت آن تمامی گونه‌های مصلحت در این امر است» (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰هـ، ج ۱، ص ۲۱۰).^۶ یکی از نویسندگان حقوقی می‌گوید: «از نظر این آیه، شیردادن به کودک از طرفی حق کودک و از طرف دیگر حق مادر است؛ به همین دلیل در حضانت کودک تا دوسالگی حق مادر اولویت دارد» (پیوندی، ۱۳۹۰هـ.ش، ص ۲۹۳).

از مطالب فوق به روشنی می‌توان استفاده کرد که وضعیت آسیب‌رسیدن به برخی منافع طفل شیرخوار بر اثر خودداری از شیردادن به وی متصور است و تصدیق می‌شود؛ در نتیجه شخصی که در این باره وظیفه داشته باشد و با ترک فعل موجب آسیب‌رسیدن به منفعت بالقوه صغیر شود، مسئولیت دارد. حقوق موضوعه نیز درباره وجود چنین وظیفه‌ای تصریح دارد: «ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی: مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد». مفهوم مخالف این عبارت قانونی که در اینجا از نوع مفهوم شرط است، این است که اگر تغذیه کودک به غذایی غیر از شیر مادر ممکن نباشد، مادر مجبور است و باید به کودکش شیر بدهد. از این الزام قانونی نتیجه می‌گیریم اگر مادر این تکلیف را ترک کند و از ناحیه این ترک فعل، آسیبی به منفعت بالقوه طفل برسد، مسئولیت کیفری خواهد داشت.

۱-۲. منافع هوش، تعقل، تفکر، سلامت روانی، سلامت خلقی (اوصاف بنایی)

همان‌طور که در بند قبل اشاره شد، آنچه در محدوده موضوع این مقاله درخور توجه است، فرضی است که بر اثر امتناع مادر یا زن شیرده منحصربه‌فرد از شیردهی به طفل، منفعتی از منافع بالقوه طفل دچار نقصان یا زوال شود؛ مثلاً ضریب هوشی کودک از سطح نرمال یا حد نصاب کاهش پیدا کند یا منفعت تعقل و تفکر وی به فعلیت نرسد یا به فعلیت مطلوب و

متوقع نرسد. چنین حالت‌هایی موجب مسئولیت کیفری برای آن مادر یا زن شیرده خواهد بود که در ادامه بررسی می‌شود. گفتنی است اوصاف فوق را از این حیث که بر وصف و فرض حیات کودک و استمرارش بنا نهاده می‌شود، «اوصاف بنایی» می‌نامیم.

۲-۱. مسئولیت کیفری آسیب‌رسانی به منافع مرتبط با ارتضاع از شیر مادر

در این قسمت مسئولیت کیفری ممتنع از ارتضاع و شیردادن به نوزاد که موجب آسیب به وی شود، محل بحث است. برای تبیین این مسئولیت ابتدا باید انواع آسیب احتمالی به منافع بالقوه کودک بررسی شود.

۱-۲-۱. نوع‌شناسی آسیب به منافع کودک

آسیب‌هایی که به منافع بالقوه کودک ممکن است وارد شود، یکسان نیست. سه حالت نقصان، زوال و تعطیلی برای منافع متصور است که با توجه به موضوع این مقاله، هریک از سه حالت مذکور در برابر منفعت بالقوه کودک سنجیده می‌شود.

الف) نقصان منفعت

نقصان منفعت همان‌گونه که از نامش مشخص است، به معنای نقص و کاسته شدن از منفعت تمام و کامل است. این تعبیر به دلیل وضوحش در فقه، قانون و دکتترین حقوقی تعریف نشده است، اما احکامش بیان شده است؛ مثلاً درباره کسی که به دلیل آسیب رسیدن به زبان‌ش از منفعت گویایی کامل بهره‌مند نباشد و گویایی‌اش دچار نقصان شده باشد، هم در روایات، هم در فقه و هم در قانون‌گذاری، حکمش بیان شده که عبارت است از محاسبه دیه از طریق سنجش آن با گویایی کامل؛ مثلاً در زبان فارسی، دیه کامل بر ۳۲ تقسیم می‌شود

و بر اساس آن، دیه هر چند حرفی که مجنی علیه بر اثر جنایت قادر به تکلم نیست، بر عهده جانی است و در زبان عربی دیه کامل بر ۲۸ قسم تقسیم می شود و بابت هر حرفی که مجنی علیه نتواند بر اثر جنایت وارد شده ادا کند، یک بیست و هشتم دیه کامل بر عهده جانی خواهد بود (حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۶۸۸؛ حلی، ۱۴۰۸هـ، ج ۴، ص ۲۴۷).^۸

گفتنی است نقصان ممکن است انواعی داشته باشد؛ مثلاً نقصان موصوف، نقصان به ادای حروف است؛ اما نقصان به تغییر در گفتار و نقصان به اصلاح نابجای گفتار نیز ممکن است اتفاق بیفتد.

ب) زوال منفعت

زوال منفعت نیز همچون نقصان منفعت تعریف نشده است، اما معنای واضحی دارد که منفعت موجود بالفعل یا بالقوه در انسان به طور کلی از بین برود و معدوم شود؛ به گونه ای که بر اساس تشخیص کارشناسان خبره بازگشت پذیر نباشد، مثل آنکه بر اثر ضربه به سر کودک، به طور کلی توان گویایی اش از بین برود.

ج) تعطیلی منفعت

برخی از آسیب هایی که به منافع بالقوه کودک وارد می شود، ممکن است منفعت بالقوه کودک را به صورت معطل درآورد؛ یعنی در حالت تعطیلی نگه دارد نه اینکه آن منفعت به طور کلی زایل و بازگشت ناپذیر تشخیص داده شود، بلکه در سنی که به طور معمول باید آن منفعت در وجود کودک بروز و ظهور کند و به فعلیت برسد، این کار انجام نمی شود؛ مثلاً کودکی بر اثر شیرندادن به موقع و کافی، دچار سوء تغذیه شود و پزشکان این گونه تشخیص دهند که بر اثر آن، کودک مذکور دیرتر از همسالانش بتواند در کلاس اول دبستان حاضر شود؛

زیرا ضریب هوشی وی در هفت سالگی که باید وارد آن کلاس شود از حد معمول پایین‌تر مانده است. در این مثال منفعت هوشی یا هوشیاری کودک مذکور از بین نرفته است، بلکه درصدی از آن به حال تعطیل درآمده است که امکان جبران آن و رسیدن وی به حد نرمال در آینده و بر اثر مداوا و تمرین و ممارست منتفی نیست و مثل این است که درحالی که به سن سخن‌گفتن رسیده، به طور موقت نتواند سخن بگوید؛ اما حسب تشخیص خبرگان امر، قوه نطق وی زائل نشده باشد و در سال‌های آتی این قوه‌اش به فعلیت برسد.

با توجه به توضیح مذکور، تعطیلی منفعت با زوال آن متفاوت است؛ اما برخی فقیهان معتقدند تعطیلی منفعت با زوال آن مساوی است؛ مثلاً علامه حلی در بحث دیه شنوایی می‌گوید: «اگر کارشناسان این‌گونه تشخیص بدهند که قوه شنوایی از بین نرفته است، اما در کانال شنوایی انسداد ایجاد شده، احتمال دارد که دیه کامل داشته باشد، به دلیل اینکه تعطیلی منفعت مساوی با زوال منفعت است» (حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۶۸۶).^{۱۰} نجفی نیز پس از نگارش مطلب مشابه می‌افزاید: «محمّل است دیه ثابت باشد؛ زیرا تعطیلی منفعت از نظر معنا مساوی زوال منفعت است، بلکه از نظر لغت نیز زوال منفعت شامل تعطیل منفعت نیز هست» (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۴۳، ص ۳۰۰).^{۱۱}

در جمع‌بندی مطلب می‌توان گفت هرچند برخی آن‌گونه که ذکر شد، «تعطیلی» را مساوی با «زوال» دانستند و هرچند برخی به جای «زوال» از عبارت «تعطیلی منفعت» استفاده کرده‌اند^{۱۲} (موسوی خمینی، ۱۳۶۳هـ.ش، ج ۲، ص ۵۱۷)، به نظر می‌رسد «تعطیلی» غیر از «زوال» است. زوال بر این فرض استوار است که منفعت به هیچ‌وجه بازگشت‌پذیر نیست و درواقع معدوم شده است؛ اما تعطیلی مربوط به فرضی است که احتمال احیای مجدد آن منفعت وجود داشته باشد. البته این مطلب از حیث موضوعی است؛ اما از نظر حکمی مطلب مذکور منافات با این ندارد که حکم زوال و حکم تعطیلی یکسان باشد، به‌ویژه با

توجه به اینکه در نتیجه یکسان اند. البته مقنن ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ بدون اینکه «زوال» یا «تعطیلی» را تعریف کند، در برخی منافع از تعطیلی منفعت سخن گفته است: «ماده ۶۷۹: هرگاه بر اثر جنایتی عقل زائل گردد و پس از دریافت دیه کامل عقل برگردد، دیه مسترد و آرش پرداخت می شود». برگشتن عقل که در این ماده گفته شده، فرضی جز تعطیلی منفعت عقل ندارد؛ از این رو تعبیر قبلی آن که زوال عقل است، به معنای اعم است که شامل تعطیلی هم بشود؛ چون اگر به معنای اخص یعنی از بین رفتن باشد، دیگر برگشت آن بی معناست؛ زیرا وقتی از بین رفته باشد و معدوم باشد، اعاده معدوم محال است.

۲-۲-۱. فرض الزام مرضع به ارضاع

فعل و رفتاری که ترک آن موجب مسئولیت کیفری است، انجام آن عقلاً لازم و شرعاً واجب است. حال اگر شخصی که در این زمینه وظیفه دارد، از انجام وظیفه خود سر باز زند، آیا می توان او را به انجام آن ملزم کرد؟ یا الزام ممنوع است و فقط در صورتی که بر اثر ترک فعل به دیگری آسیب رسید، او مستوجب مجازات است؟ پاسخ این است که می توان الزام کرد؛ نظیر امر انفاق که اگر مثلاً زوج از وظیفه انفاق به زوجه خود امتناع کند، حاکم جامعه (در وضعیت فعلی، قاضی محکمه) او را الزام به انفاق می کند. درباره کودک شیرخوار، اگر راه حفظ جان کودک منحصر به این باشد که مادر یا حتی زنی غیر از مادر به کودک شیر بدهد، بر او لازم و واجب خواهد بود که وی را شیر بدهد و امتناع از این کار موجب مسئولیت است. یکی از نویسندگان با استفاده از کتب فقهی می نویسد: «امتناع مادر در صورتی مورد قبول است که بتوان طفل را از طریق دیگر تغذیه و حفظ کرد، مثل اینکه زن دیگری است که حاضر است تبرعاً یا در مقابل اجرت، این طفل را شیر دهد یا به وسیله شیر حیوانات و یا شیر خشک و امثال اینها می توان به فرزند غذا رساند» (طاهری، ۱۴۱۸ هـ، ص ۳۲۹).

۱-۲-۳. مجازبودن مرضع در اخذ اجرت

مادر در وضعیت عادی وظیفه شیردادن به فرزندش را ندارد. در این باره روایتی نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که زن آزاد نباید بر شیردادن فرزند اجبار شود (حرّ عاملی، ۱۴۱۶هـ، ج ۲۱، ص ۴۵۲).^{۱۲} قانون مدنی نیز در این باره صراحت دارد: «ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی: مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد». حال با توجه به اینکه در شرایط عادی، مرضع چه مادر باشد و چه زنی دیگر وظیفه شیردادن ندارد، شیردهنده چه مادر باشد چه غیرمادر، می تواند برای شیردادن طفل از ولیّ او درخواست اجرت کند؛ این منافاتی با وجوب ارضاع ندارد. برای این عدم منافات برخی فقیهان به وجوب دادن غذا به شخص گرسنه مثال زده اند که این وجوب با جواز اخذ پول آن غذا منافات ندارد (عاملی، ۱۳۹۶هـ.ش، ج ۵، ص ۴۵۳).^{۱۳} یکی از نویسندگان در این باره می گوید: «شیردادن از تکالیف لازم مربوط به حضانت به شمار نمی آید و بر مادر واجب نیست که به فرزندش حتماً شیر بدهد، لذا می تواند امتناع کند یا به خاطر شیردادن به فرزند، مطالبه اجرت نماید» (طاهری، ۱۴۱۸هـ، ج ۵، ص ۳۲۹).

از مباحث فوق این نتیجه حاصل می شود که اگر زن مرضعه اعم از مادر و غیرمادر، از شیردهی امتناع کند و از این بابت به منافع بالقوه کودک آسیب جزئی یا کلی برسد، مسئولیت دارد و اگر امتناع پدر طفل از دادن اجرت شیردادن، منتهی به ورود آسیب به کودک شود، وی مسئولیت خواهد داشت.

۱-۲-۴. مسئولیت پدر در اجرت ارضاع

با توجه به بند قبل درباره مسئولیت مادر، مشخص شد در فرض معینی وی وظیفه شرعی و قانونی دارد که به کودک خویش شیر بدهد و حتی غیرمادر نیز در فرض انحصار مرضع،

چنین وظیفه‌ای دارد و در صورت امتناع از انجام دادن وظیفه و آسیب رسیدن بر اثر آن به منفعت بالقوه کودک، مسئولیت کیفری دارد. اکنون این موضوع بررسی می‌شود که آیا برای غیرمادر یا مرضع منحصر به فرد نیز مسئولیتی وجود دارد یا خیر؟

در پاسخ گفته می‌شود در چنین جایی، پدر طفل نیز که وظیفه دارد اجرت شیردهی را تأمین کند، به عنوان ترک انفاق که خود مرتکب شده یا به عنوان معاونت در ترک شیردهی که مادر طفل مرتکب شده، تحقق بخش بزه جنایت بر منفعت طفل است و مسئولیت کیفری خواهد داشت. توضیح این مطلب نیاز به دو مقدمه دارد:

۱. حضانت اطفال هم حق مادر است و هم تکلیف وی. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی می‌گوید: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است». اما مادر برای حضانت کودک، بنا بر اصل عدم تبرع^{۱۴} حق مطالبه اجرت دارد^{۱۵} و شیردهی نیز یکی از مصادیق حضانت است؛ از این رو مادر می‌تواند برای آن مطالبه مزد کند.

۲. پرداخت اجرت به مرضع برای ارضاع جزء نفقه واجب و بر عهده پدر طفل است؛ بنابراین پدر باید در صورت درخواست مادر بابت اجرت شیردادن به طفل، اجرتش را بپردازد. نتیجه حاصل از دو مقدمه فوق این است که اگر پدر با وجود درخواست مادر از پرداخت اجرت خودداری کند و مادر به این علت که اجرتش پرداخت نمی‌شود، از شیردادن به طفل خودداری کند و بر اثر این دو امتناع (امتناع پرداخت اجرت از سوی پدر و امتناع شیردهی از سوی مادر) به منفعت بالقوه صغیر آسیب وارد آید، هر دو نفر مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند و مسئولیت کیفری دارند. عمل مجرمانه منتسب به پدر، ترک انفاق است که با ندادن اجرت شیردادن تحقق می‌یابد و عمل مجرمانه منتسب به مادر شیرندادن به طفل نیازمند به شیر است. درباره پدر ممکن است از باب تعدد معنوی، بتوان رفتارش را معاونت در ترک فعل شیردادن از سوی مادر نیز تلقی کرد و از این باب نیز مطابق قواعد رسیدگی به جرایم متعدد معنوی برای او مسئولیت کیفری لحاظ کرد و او را تحت تعقیب قرار داد.

۱-۲-۵. مسئولیت شخص حقوقی در اعطای مرخصی به مادر مرضع

اداره متبوع مادری که باید طفلش را شیر بدهد، در صورت امتناع از اعطای مرخصی مسئولیت خواهد داشت. قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی مصوب ۱۳۷۴، در این باره مقرراتی را پیش بینی کرده است. در ماده ۳ این قانون برای مادری که فرزندش را شیر می دهد، چهار ماه مرخصی مقرر شده است: «مرخصی زایمان تا سه فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می دهند، در بخش های دولتی و غیردولتی چهار ماه می باشد». همان گونه که در متن ماده قانونی مذکور پیش بینی شده است، مرخصی پیش گفته به کارمندان ادارات دولتی اختصاص ندارد و بخش های غیردولتی را هم دربر می گیرد. اطلاق عبارت «بخش های غیردولتی» در متن قانونی مذکور، مشعر به این معناست که هم بخش های غیردولتی عمومی و هم بخش های خصوصی باید برای مرخصی مذکور اقدام کنند. درواقع مفاد ماده قانونی مذکور اطلاق دارد و شمول آن عمومیت دارد و نمی توان بخش خصوصی را به سبب خصوصی بودن تابع این مقررہ ندانست؛ زیرا مفاد آن عمومیت دارد و آمره و الزام آور است.

با توجه به مراتب مذکور، اگر اداره متبوع مادری که نوزادی به دنیا آورده و او را شیر می دهد، از اعطای مرخصی چهارماهه پیش بینی شده امتناع ورزد و از ناحیه این امتناع برخی منفعتهای بالقوه کودک دچار زوال یا نقصان شود، مسئولیت کیفری برای ادارات مرتبط مترتب خواهد شد؛ زیرا این امتناع ترک فعلی است که مقنن مقرر کرده است.

در ماده ۱۴۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ کلمه «رفتار» به کار برده شده است. منظور از «رفتار»، رفتار مجرمانه است و رفتار مجرمانه همان طور که در ماده ۲ قانون مذکور مقرر شده، هم فعل را دربر می گیرد و هم ترک فعل؛ پس ترک فعل اعطای مرخصی به بانوی یادشده در فرضی که منجر به آسیب به منفعت بالقوه صغیر شود، موجب مسئولیت کیفری است.

مؤید مطلب فوق، پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مذکور است. هرچند به نظر می‌رسد تصریح به وجود مسئولیت کیفری شخص حقوقی برای مقنن ثقیل بوده است؛ از این رو در ماده ۱۴۳ اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی می‌داند،^{۱۶} اما این مطلب خدشه‌پذیر و ایراد بر مقنن وارد است؛ زیرا اصل بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی نیست، بلکه اصل بر همگانی بودن مسئولیت کیفری است. اصل همگانی بودن مسئولیت کیفری اقتضا می‌کند جرم به هر شخص منتسب شد، مسئولیت هم داشته باشد، خواه شخص حقیقی باشد و خواه شخص حقوقی (نک: نوری، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۱۱۶۷ - ۱۱۸۰).

۲. منافع مرتبط با نفقه کودک و مسئولیت کیفری مربوط به آن

در قسمت قبل منافع مرتبط با ارضاع از شیر مادر بررسی شد. در این قسمت مهم‌ترین منافع مرتبط و ناشی از نفقه با رویکرد مصداقی ذکر می‌شود؛ همچنین مسئولیت کیفری ناشی از ترک آن را بیان خواهیم کرد.

۲-۱. منافع مرتبط با نفقه کودک

تأمین نفقه یا همان هزینه‌ها و مخارج کودک، یکی از حقوق اوست که در صورت انجام ندادنش، احتمال ایراد آسیب به منافع از کودک وجود دارد که در بزرگسالی به فعلیت خواهد رسید. منافع مرتبط با نفقه است و در صورت تأمین آن به خوبی به فعلیت رسیده و در غیر این صورت دچار زوال یا تعطیلی شده و به فعلیت نمی‌رسد یا دچار نقصان شده و به صورت ناقص نمایان می‌شود، بسیار است و احصا نشده است. بنابراین در اینجا مهم‌ترین مصداقش را بیان می‌کنیم.

۲-۱-۱. عرفی بودن معنا و مصادیق نفقه

مصادیق به طور حصری نیست، بلکه تمثیلی است؛ به این معنا که معنای «نفقه» را عرف تعیین می‌کند و بدون حقیقت شرعیه و حقیقت متشرعه است و مصادیق رانیز عرف تعیین می‌کند. با این وجود عنصرهای زمان و مکان و وضعیت طفل و وضعیت کسانی که وظیفه تأمین نفقه‌اش را دارند، در تعیین مصادیق نفقه نقش دارند. مصادیق نفقه حسب عوامل مذکور مختلف خواهد بود و همه چیزهایی را دربر می‌گیرد که برای پرورش جسم و روح کودک لازم باشد و از آسیب به آنها جلوگیری کند.

۲-۱-۲. مصادیق نفقه

مصادیق نفقه دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است؛ یعنی بر کسانی که نفقه طفل بر آنان واجب است، لازم است هم آنچه را موجب رشد جسمی و تکامل روحی‌اش می‌شود در حد متعارف تأمین کنند و هم آنچه را موجب آسیب رسیدن به بدن، اعضا و جوارح کودک و منافع اعضای وی می‌شود یا موجب آسیب رسیدن به جنبه روحی‌اش می‌شود، از او دور کنند و کودک را از آن مصون بدارند. مصادیق نفقه در فقه اهل بیت (ع) ذکر شده است. مقنن ایران نیز در اصلاحیه قانون مدنی در سال ۱۳۸۱ مصادیقی از نفقه زوجه را نام برده است: «ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، تکالیفی مقرر شده است که با توجه به هزینه‌های مترتب بر آن می‌توان آنها را نیز از مصادیق نفقه محسوب کرد. ماده ۷ قانون مذکور چنین مقرر داشته است: «هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه

برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند». با توجه به نکات فوق، قدر متیقن و مهم ترین مصادیق نفقه که تأمین نکردنش ممکن است موجب آسیب به منافع بالقوه طفل شود، در ادامه به اختصار توضیح داده می شود.

الف) کسوت: حق پوشش کودک

درباره احتمال ورود جنایت به برخی از منافع کودک که ناشی از حفظ نکردن او از سرما و حتی گرما باشد، برخلاف مصادیق قبلی، الزاماً باید در حوزه طب و پزشکی تتبع و جستجو کرد که از محدوده این تحقیق بیرون است؛ اما قاعده کلی در اینجا نیز حاکم است و آن اینکه چنانچه بر اثر کوتاهی شخص یا اشخاصی که وظیفه دارند طفل را از آسیب های ناشی از سرما و گرما محفوظ دارند، آسیبی به منفعت کودک وارد شود و برخی از منافعش دچار نقصان یا زوال گردد، مثلاً کلیه هایش در بزرگسالی زودتر از حد معمول از کار بیفتد، در صورت وجود عنصر عمد و دیگر عناصر تحقق بخش جرم، مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت.

ب) تغذیه: حق خوراک کودک

تغذیه نقش مهم و زیربنایی در سلامت اطفال و رشد متناسب قوایشان دارد و در مقابل سوء تغذیه می تواند باعث آسیب های متعدد و جدی به آنان شود. عمومیت این بحث شامل تغذیه مناسب مادر در دوران حمل نیز هست؛ همان طور که شامل دوران شیردهی هم می شود. درباره دوران طفولیت شکی نیست که پایین تربودن سطح کیفی یا کمی تغذیه از استاندارد، موجب برخی آسیب ها می شود. یکی از نویسندگان حوزه حقوق مشاور در

کتابش می‌گوید: «چنانچه ... کودک در دو سال اول زندگی خود دچار سوءتغذیه شود، رشد جسمی و ذهنی کودک دچار تأخیر شده و در طول زندگی با مشکلات متعددی روبرو خواهد شد» (پیوندی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۳۶۱). بدیهی است چون خورد و خوراک و تغذیه نیز از مصادیق نفقه است، هرگونه مضیقه در این خصوص که به آسیب دیدن منافع بالقوه کودک بینجامد، موجب مسئولیت شخصی خواهد بود که نفقه را بر عهده داشته است و در برابر آن موسر (متمکن از پرداخت) بوده است.

ج) بهداشت و معالجه

در این قسمت ابتدا به وظایفی می‌پردازیم که در زمینه بهداشت و معالجه کودکان بر عهده اولیا یا دیگران است؛ سپس به این مطلب تصریح خواهیم کرد که مسئولیتی متوجه قاصران یا مقصران در این باره هست یا خیر. بند ج ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، بیشتر درباره امور درمانی اطفال و نوجوانان است؛ از جمله به پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب دیده در تمام مراکز بهداشتی - درمانی در شماره ۲ بند ج مذکور، تصریح شده است.^{۱۷} کنوانسیون حقوق کودک نیز به عنوان مقرر بین المللی با مقررات حاکم رژیم حقوقی ما هم راستاست^{۱۸} و به لزوم درمان ناراحتی جسمی یا روانی کودکی تصریح کرده است که بستری می‌شود.^{۱۹}

د) بیمه

ارتباط بحث بیمه با موضوع این مقاله آن است که اگر حادثه‌ای برای کودک رخ دهد و به دلیل سنگینی هزینه درمان، ولی او قادر به معالجه و درمان نباشد، درحالی که قدرت بر بیمه کردن او داشته است، آسیب وارد شده به منفعت بالقوه کودک که بر اثر حادثه یاد شده باشد، می‌تواند موجب مسئولیت ولی طفل باشد که از نوع رفتار و فعل منفی است که عبارت است از اقدام نکردن برای بیمه درمان مولی علیه خود.

درباره ماهیت بیمه بحث‌هایی بین حقوق‌دانان وجود دارد؛ نظر غالب این است که بیمه نوعی عقد است که بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود. صرف نظر از چیستی بیمه، با توجه به تعریفی که در سطور فوق درباره «نفقه» شد و با توجه به این نکته که هم تعریف و معنای «نفقه» و هم مصادیقش را عرفی دانستیم، بیمه نیز می‌تواند از مصادیق نفقه باشد به‌ویژه با توجه به مقرراتی که برخورداری از بیمه را به عنوان حق برای اطفال کار مقرر کرده است؛ از جمله ماده ۱۴۸ قانون کار که بیمه‌کردن کارگران را الزامی کرده است.^{۲۰} در شماره ۳ بند ج ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نیز به پوشش کامل بیمه سلامت برای تمام اطفال و نوجوانان ساکن ایران، به عنوان وظیفه‌ای برای وزارت بهداشت تصریح شده است.

۲-۲. مسئولیت کیفری آسیب‌رسانی به منافع مرتبط با انفاق

به موجب حقوق وضع شده، ترک انفاق موجب مسئولیت مدنی است. در ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی درباره وضعیتی که به لحاظ غیبت منفق یا استنکاف وی انفاق انجام نشود، تعیین تکلیف شده است. ماده ۱۱۹۹ همان قانون هم بر وجوب انفاق به فرزند تصریح کرده است و همان‌طور که برخی نویسندگان حقوقی متذکر شده‌اند: «در فقه اسلامی پرداخت نفقه توسط پدر و مادر به فرزند و در مقابل پرداخت نفقه توسط فرزندان به پدر و مادر، امری مسلم است و بر آن اتفاق نظر وجود دارد؛ حتی درباره جد پدری و مادری نیز نظر مشهور بر وجوب پرداخت نفقه به نوادگان‌شان است» (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۶). اینها بیان‌کننده مسئولیت مدنی ترک انفاق است که مطلق است؛ یعنی مقید به وضعیت آسیب‌رسیدن به منافع مرتبط با انفاق نیست؛ اما صرف نظر از مسئولیت مدنی استنکاف از انفاق، خودداری از انفاق کودک که به آسیب‌رسیدن به منافع بالقوه کودک بینجامد، موجب مسئولیت کیفری است. مسئولیت کیفری ایجاد شده در اینجا دارای سه وجه است:

۲-۲-۱. حبس

یکی از مسئولیت‌های ناشی از ترک انفاق این است که نفس عمل ترک انفاق جرم‌انگاری شده است. این جرم‌انگاری قبل از قانون حمایت از خانواده، در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، پیش‌بینی شده بود و از زمان تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱، در ماده ۵۳ این قانون پیش‌بینی شده که عبارت است از حبس تعزیری درجه شش. این مسئولیت کیفری مطلق است؛ یعنی مقید به این نیست که آسیبی از ناحیه ترک انفاق به منفق علیه برسد، بلکه حتی اگر وی آسیبی هم نبیند، جرم ترک انفاق واقع شده است. اما اگر آسیب هم برساند، مسئولیت کیفری جداگانه‌ای دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۲-۲-۲. قصاص، دیه و آرش

افزون بر مسئولیت مدنی ناشی از استنکاف از انفاق به کودک واجب‌النفقة و افزون بر مسئولیت کیفری منبعت از ترک انفاق به وی، مسئولیت کیفری دیگری هم بر ترک انفاق مترتب است که به سبب آسیبی است که از این ناحیه به کودک می‌رسد و آن اینکه ترک انفاق موجب شود یک یا چند منفعت کودک دچار نقصان شود یا زائل شود و بازگشت ناپذیر تشخیص داده شود یا فعلاً به حال تعطیل درآمده باشد. هر یک از وضعیت‌های مذکور اگر رفتار عمدی شناسایی شود، موجب قصاص است و در صورت ناممکن بودن قصاص اگر دیه معین داشته باشد، باید حکم به دیه، وگرنه حکم به آرش داده شود.

۲-۲-۳. الزام دادگاه به انفاق

امکان الزام شخص تارک انفاق به انفاق کودک واجب‌النفقة، در حقوق موضوعه پیش‌بینی شده است که آن را نیز می‌توان جزء مسئولیت‌های کیفری وی برشمرد. در این باره بند ت

ماده ۴۳ ق.م.ا.، مصوب ۱۳۹۲، امکان الزام محکوم علیه را به پرداخت نفقه افراد واجب النفقه برای دادگاه پیش بینی کرده است و ماده ۴۷ قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱، پیش بینی کرده است که دادگاه میزان و ترتیب پرداخت آن را تعیین می کند.

۲-۳. رویه قضایی در مواجهه با ترک نفقه

برای آشنایی با رویه قضایی در این باره رأی از دادگاه تجدیدنظر که رأی شعبه بدوی را به دلیل رسیدگی نکردن به شکایت مادر درباره ترک انفاق کودک، نقض کرده است، به همراه رأی بدوی نقل می کنیم.

الف) رأی دادگاه بدوی

رأی بدوی دادنامه شده تحت شماره ۰۰۷۹۹، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵، صادر شده از شعبه ۱۰۵۰ دادگاه عمومی جزایی تهران:

در خصوص اتهام آقای م. فرزند م. دایر بر ترک انفاق نسبت به فرزند خود به نام س. هفت ساله، موضوع شکایت خانم س. با وکالت خانم پ. صرف نظر از تحقیقات انجام شده در مراحل تحقیق، وجود و عدم وجود دلیل بر وقوع بزه، نظر به اینکه متهم ولی قهری طفل بوده و شکایت کیفری توسط افرادی غیر از ولی قهری یا قیم قانونی در مورد نفقه نسبت به طفل فاقد عنصر قانونی می باشد، به استناد مواد ۶۵ و ۶۹ و ۱۷۷ و ۷۲ از قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می باشد.

رئیس شعبه ۱۰۵۰ دادگاه عمومی جزایی تهران. خورشیدوند

ب) رأی دادگاه تجدیدنظر

رأی تجدیدنظر دادنامه شده تحت شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۷۹۶، مورخ ۱۳۹۱/۷/۵، صادره از شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

در این پرونده خانم پ. به وکالت از خانم س. از دادنامه شماره ۰۰۷۹۹، مورخ ۹۰/۱۰/۲۵، شعبه ۱۰۵۰ دادگاه عمومی جزایی تهران، تجدیدنظرخواهی کرده است. به موجب دادنامه موصوف، آقای م. از اتهام ترک انفاق فرزند خود آقای س. به لحاظ [اینکه] متهم ولی قهری طفل بوده و شکایت کیفری توسط افرادی غیر از ولی قهری یا قیم قانونی در مورد نفقه نسبت به طفل فاقد عنصر قانونی می باشد، قرار منع تعقیب تحصیل می نماید. دادگاه با توجه به بررسی اوراق و مستندات پرونده، نظر به اینکه مادر می تواند در مقام اعلام کننده ترک انفاق اولاد صغیر خود باشد و مرجع قضایی پس از احراز مطلب، طبق قسمت اخیر ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای محجور قیم موقت انتخاب می کند و بر اساس برگ ۴۴ پرونده، تجدیدنظرخواه به عنوان قیم موقت تعیین و اعلام شده است، درخواست تجدیدنظر با بند ج ماده ۲۴۰ قانون مرقوم انطباق دارد؛ از این رو ضمن پذیرش تجدیدنظرخواهی و نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته به استناد شق ۲ بند ب ماده ۲۵۷ قانون یادشده پرونده جهت ادامه رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می شود. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه اهورکی. رضانی

(پژوهشگاه قوه قضاییه، سامانه ملی آرای قضایی)

نتایج و پیشنهادها

با توجه به آنچه گذشت، این نتایج و پیشنهادها را می توان ارائه کرد:

الف) فقیهان تعداد منافع اعضای بدن انسان را از هفت منفعت تا بیست منفعت

شناسایی و احکامی درباره آن ذکر کرده‌اند. اختلاف نظر فقیهان در ذکر تعداد منافع، اماره و بلکه دلیل است بر اینکه تعداد منافع بدن انسان، منحصر به آنچه تاکنون شناسایی نشده نیست و می‌توان با انجام دادن پژوهش‌های نظام‌مند در این باره، منافع جدیدی برای انسان شناسایی کرد. در این باره پیشنهاد می‌شود دانشکده‌های حقوق و مجامع علمی و پژوهشی، موضوع را در دستور کار قرار دهند تا منافعی از انسان، مثل سلامت روانی و خلقی شناسایی شود که هنوز شناسایی و تعریف نشده‌اند.

ب) برخی فقیهان تصریح کرده‌اند اصل بر سلامت منافع بالقوه صغار است. مقنن به این مطلب تصریح نکرده است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود از طریق یک ماده قانونی الحاقی به امر مذکور تصریح شود. از فواید تصریح این است که در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه در سلامت یا عدم سلامت منفعت مذکور، بار اثبات بر عهده جانی و آسیب‌رسان خواهد بود. محل مناسب برای الحاق این ماده، فصل قواعد عمومی دیه منافع است. متن پیشنهادی برای تقنین لازم در این باره برای الحاق به ق.م.ا.، مصوب ۱۳۹۲، چنین است: «ماده ۶۷۱ مکرر - اصل بر سلامت منافع به فعلیت نرسیده کودک است».

ج) شخص حقوقی بسیاری از احکام شخص حقیقی را داراست؛ از قبیل موجودیت یا ولادت، هویت، مالکیت، وفات یا انحلال. یکی از احکام درباره شخص حقوقی، مسئولیت کیفری اوست که به صورت ناقص تقنین شده است؛ زیرا در ق.م.ا.، مصوب ۱۳۹۲، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی دانسته شده است. پیشنهاد می‌شود با اصلاح ماده ۱۴۳ قانون مذکور، مقنن، اصل همگانی بودن مسئولیت کیفری را شناسایی کند؛ به این ترتیب که در صدر ماده مذکور جمله «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است» به «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت همگانی است» تبدیل شود.

پی‌نوشت

۱. «التَّغُ: ضد الضَّرِّ. يقال: نَفَعْتُه بكذا فانتَفَعَ به، والاسمُ المنفعةُ».
۲. «فيجب على الأم إرضاع اللبأ».
۳. «و يستحب للأم أن ترضعه طول المدة المعتبرة في الرضاع».
۴. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَا مِنْ لَبَنٍ يَرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَغْظَمَ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ: هیچ شیرى برای بچه بابرکت‌تر از شیر مادر نیست» (کلینی، ۱۴۰۵هـ، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۱).
۵. «و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَا مِنْ لَبَنٍ رَضَعَ بِهِ الصَّبِيُّ - أَغْظَمَ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ».
۶. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةُ...».
۷. «اخبار عن الوظيفة المقررة لهن في الشريعة جمعاً لانهاء المصلحة».
۸. «و فى بعض الكلام بعض الدية، و يوزع على ثمانية و عشرين حرفاً؛ أما الصحيح فيعتبر بحروف المعجم و هى ثمانية و عشرون حرفاً».
- تبصره ۱ ماده ۶۱۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «ديه ازين بردن اداى هر حرف با توجه به حروف زبان تكلم مجنى عليه تعيين مى شود؛ مانند اينكه ازين بردن قدرت اداى يك حرف شخص فارسى زبان، يك سى و دوم ديه كامل است».
۹. «و لو حكم أهل المعرفة ببقاء السمع إلا أنه قد وقع فى الطريق ارتفاق احتمال الدية، لمساواة تعطل المنفعة بزوالها و إذا ذهب سمع الصبى فتعطل نطقه فديتان».
۱۰. «احتمل الدية لمساواة تعطيل المنفعة زوالها فى المعنى، بل لشمول الزوال له لغة».
۱۱. «لو قطع الأذن مثلاً ففسر إلى السمع فأبطله أو نقص منه ...».
۱۲. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرِّضَاعِ فَقَالَ - لَا تُجْبَرُ الْحُرَّةُ عَلَى رِضَاعِ الْوَلَدِ وَ تُجْبَرُ أُمُّ الْوَلَدِ».
۱۳. «و استحقات عوضه كبذل المال فى المخمصة للمحتاج».

۱۴. این اصل در ماده ۲۶۵ قانون مدنی چنین تقریر شده است: «هر کس مالی به دیگری بدهد، ظاهر در عدم تبرع است. بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می تواند استرداد کند».

۱۵. ماده ۳۳۶ قانون مدنی: «هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است».

تبصره: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می نماید».

۱۶. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و ...».

۱۷. ج) وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد: ۱. تدوین دستورالعمل های بهداشت کار و مراقبت پزشکی برای انطباق شرایط کار نوجوانان با استانداردهای لازم؛ ۲. پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب دیده در تمام مراکز بهداشتی درمانی همراه با ارسال گزارش موارد مشکوک به آزار به مراجع قضایی و بهزیستی؛ ۳. پوشش کامل بیمه سلامت برای تمام اطفال و نوجوانان ساکن ایران.

۱۸. ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک: «۱. حکومت ها، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همه امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت می شناسند و تضمین می کنند که هیچ کودکی از این حق محروم نخواهد ماند. ۲. حکومت ها برای تأمین این حق کودک، اقدام های مناسب را انجام می دهند: الف) تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش می دهند. ب) خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان می دهند و از تأمین نیازهای اولیه بهداشتی، اطمینان حاصل می کنند. حکومت ها به سلامتی مادر قبل و بعد از زایمان توجه کرده و با بیماری ها و کمبود یا بدی تغذیه مبارزه می کنند و در این رابطه امکان تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم را با رعایت حفظ محیط زیست، فراهم می نمایند. ج)

به امر آموزش همه مردم و به ویژه کودکان و والدین توجه نموده و تلاش می کنند تا اهالی اصول اولیه بهداشتی و بهزیستی را فرگیرند. آنها مثلاً با فواید از سینه شیردادن، بهداشت شخصی و تمیز نگه داشتن محیط زیست و چگونگی پیش گیری از سوانح آشنا می شوند و در عمل هم از پشتیبانی حکومت ها برخوردارند. د) مراکز مشاوره برای والدین و روشنگری در زمینه تنظیم خانواده را سازمان دهی می کنند. ۳. حکومت ها جهت مبارزه با خرافات و عادت هایی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام می دهند. ۴. حکومت ها خود را موظف می دانند که از همکاری های بین المللی پشتیبانی نموده و آن را تقویت نمایند تا مفاد این ماده بدون کم و کاست جامه عمل به خود ببوشاند و در این باره باید به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه ویژه نمود».

۱۹. ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق کودک: «کودکی که از طرف مسئولین امر جهت نگه داری و پرستاری و یا درمان ناراحتی جسمی یا روانی بستری می شود، از حق کنترل و رسیدگی منظم تمام امور به نفع خودش برخوردار است و این حق از طرف حکومت های عضو پیمان به رسمیت شناخته می شود».

۲۰. ماده ۱۴۸ قانون کار: «کارفرمایان کارگاه های مشمول این قانون مکلف اند بر اساس قانون تأمین اجتماعی، نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند». گفتنی است که در شماره ۳ بند ث ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، این کار (بیمه کردن) برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال الزامی شده است.

کتاب نامه

- قرآن حکیم (۱۳۸۹ ه.ش). تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
- بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰ ه). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. ج ۱. قم: بنیاد بعثت.
- پیوندی، غلام رضا. (۱۳۹۰ ه.ش). حقوق کودک. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ ه). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. ج ۳. بیروت: دارالعلم للملایین.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ هـ). وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة. ج ۲۱. چ ۳. قم: مؤسسه آل البيت.
- حلی، ابوالقاسم نجم الدین. (۱۴۰۸ هـ). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. ج ۴. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ هـ). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طاهری، حبیب الله. (۱۴۱۸ هـ). فقه استدلالی. ج ۵. چ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، زین الدین. (۱۳۹۶ هـ.ش). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. ج ۵. چ ۲. قم: انتشارات علمیة.
- عاملی، محمد. (۱۴۱۰ هـ). اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامية. بیروت: دار التراث.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۸ هـ.ش). ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۵ هـ). الکافی. ج ۶. بیروت: دار الاضواء.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۶۳ هـ.ش). تحریر الوسیلة. ج ۲. قم: نشر اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ هـ). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۴۳. الطبعة السابعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، سیدفاضل. (۱۳۸۹ هـ.ش)؛ «مسئولیت کیفری شخص حقوقی در پرتو اصل فردی بودن مجازات»؛ در: مجموعه مقالات همایش ملی تجلیل از مقام علمی استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی. تهران: گنج دانش.

References

- The Quran. 1389 Sh. Tehran: Center of Printing and Publishing the Quran.
- ‘Āmilī, Muḥammad al-. 1410 AH. *Al-Lum‘at al-Dimashqiyya fī fiqh al-Imāmiyya*. Beirut: Dār al-Turāth.
- ‘Āmilī, Zayn al-Dīn al-. 1396 Sh. *Al-Rawḍat al-bahīyya fī sharḥ al-lum‘at al-Dimashqiyya*. Vol. 5. Qom: ‘Ilmiyya Publications.
- Balāghī al-Najāfī, Muḥammad Jawād al-. 1420 AH. *Ālā‘ al-Raḥmān fī tafsīr al-Qur‘ān*. Vol. 1. Qom: Bi’tḥat Foundation.

- Ḥillī, Abū al-Qāsim Najm al-Dīn al-. 1408 AH. *Sharāʿiʿ al-Islām fī masāʿil al-ḥalāl wa-l-ḥarām*. Vol. 4. Qom: Ismāʿīliyyān Institute.
- Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf al-. 1413 AH. *Qawāʿid al-aḥkām fī maʿrifat al-ḥalāl wa-l-ḥarām*. Vol. 3. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ḥurr al-ʿĀmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1416 AH. *Wasāʿil al-Shīʿa ilā taḥṣīl masāʿil al-sharīʿa*. Vol. 21. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Jawharī, Ismāʿīl b. Ḥammād al-. 1410 AH. *Al-Ṣiḥāḥ: tāj al-lughā wa-ṣiḥāḥ al-ʿArabiyya*. Vol. 3. Beirut: Dār al-ʿIlm li-l-Malāyīn.
- Kar, Mehrangiz. 1378 Sh. *Sākhtār-i ḥuqūqī-yi niẓām-i khānivādih dar Iran*. Tehran: Roshangaran va Muṭālīʿāt-i Zanān.
- Kulaynī, Muḥammad b. Yaʿqūb al-. 1405 AH. *Al-Kāfī*. Vol. 6. Beirut: Dār al-Aḍwāʾ.
- Musavi Khomeini, Sayed Ruhollah. 1363 Sh. *Taḥrīr al-wasīla*. Vol. 2. Qom: Islami Publications.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1404 AH. *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharāʿiʿ al-Islām*. Vol. 43. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī.
- Noori, Seyed Fazel. 1389 Sh. “Masʿūliyat-i kayfarī-yi shakḥ-i ḥuqūqī dar partuv-i aṣl-i fardī būdan-i mujāzāt.” In *Majmūʿih maqālāt-i hamāyish-i millī-yi tajlīl az maqam-i ʿilmī-yi ustād Mohammad Jafar Jafari Langroodi*. Tehran: Ganj-i Dānish.
- Peyvandi, Gholamreza. 1390 Sh. *Ḥuqūq-i kūdak*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Taheri, Habibollah. 1418 AH. *Fiqh-i istidlālī*. Vol. 5. Qom: Islamic Publishing Office.